

*Two seasons of a promotion,
The Quran and Science Studies*

*Vol.1, No. 1,
spring & Summer 2017*

P 7 - 30

دو فصل نامه علمی-تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۱ ش ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۷ تا ۳۰

راهکارهای قرآنی همزیستی مسالمت آمیز ادیان

سید عیسیٰ مسترحمی* محمدیوسف تقدسی*

چکیده

بشر در طول تاریخ زندگی خود بالفطره یا از روی نیاز، زندگی اجتماعی را پذیرفته و آرامش روحی و رفع نیازهای خویش را در همزیستی مسالمت آمیز با دیگران یافته است. این مسئله درباره ادیان و مذاهب مختلف نیز صادق است. همزیستی مسالمت آمیز بدین معناست که مردم یک جامعه با وجود عقاید گوناگون در آرامش و تعاون با یکدیگر به سر برده، اختلاف را از طریق مسالمت آمیز حل و فصل کنند. این نوع همزیستی دارای مبانی همچون ضرورت زندگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و... است که با موانعی داخلی و خارجی روبرو می شود. قرآن با احترام به دیگر انبیا و پذیرش حقوق پیروان آنان، بر آزادی عقیده و فکر و توجه به اصول مشترک تأکید داشته و با استقبال از پیشنهاد صلح، همواره، گفت و گوی مسالمت آمیز را از اصول مسلم خویش برشمرده است و با مبارزه با توهّمات برتری جویانه پیروان برخی ادیان، به تعاون در مسائل بین الادیانی توصیه می کند. موارد پیش گفته می تواند از مهم ترین راهکارهای همزیستی مسالمت جویانه قرآن برای بشریت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: راهکارهای قرآنی، همزیستی مسالمت آمیز، ادیان.

* استادیار جامعه المصطفی العالمیه: dr.mostarhami@chmail.ir

* دانشجوی دکترای قرآن و علوم (گرایش روابط بین الملل از کشور افغانستان)

مقدمه

صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز از گذشته‌های دور در روابط بین ملت‌ها مطرح بوده و مذاکره بر سر ایجاد روابط مسالمت‌جویانه و دسترسی به صلح و همزیستی در دستور کار دولت‌ها بوده اما بعد از جنگ جهانی اول و دوم و نتایج وحشتناک که این دو جنگ و ظهور سلاح‌های مدرن و قدرتمند با قدرت تخریب حیرت‌انگیز به بار آورد، رهبران سیاسی و دولت‌مردان کشورهای جهان را به وحشت انداخت و همه را به تلاش واداشت تا به‌جای جنگ و استفاده از ابزارهای ویران‌کننده، روش‌ها و ابزارهای مسالمت‌جویانه را دنبال کنند که از وقوع چنین فجایع تلخ جلوگیری نمایند. تلاش‌ها برای تأسیس جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول و نیز تأسیس سازمان ملل در سال بعد از جنگ جهانی دوم برخی از ثمرات این‌گونه تلاش‌ها بود که بر فضای روابط بین‌الملل به‌جای جنگ و نظامیگری تا حدودی حکم فرما شد، گرچه قدرت‌های بزرگ از این ابزارها نیز برای دسترسی به اهداف و منافع خویش و سلطه و استثمار ملت‌های ستمدیده مرتب استفاده کردند و می‌کنند اما در مجموع این تلاش‌ها ثمرات و نتایج مثبت زیادی در عرصه روابط بین‌المللی داشته است و کشورهای مختلف آن را در رأس سیاست خارجی خود قرار می‌دهند و سعی می‌کنند برای رسیدن به اهدافشان از این ابزار به‌جای زور استفاده کنند.

اسلام به‌عنوان دین نجات‌بخش و فرازمانی - مکانی که برای هدایت و سعادت کل بشر برنامه دارد بر همزیستی مسالمت‌جویانه تأکید فراوانی داشته است، اگرچه دشمنان با شبهه افکنی و تأویل برخی آموزه‌های قرآن درصدد معرفی نمودن دین اسلام به‌عنوان دین خشونت و جنگ و خونریزی است اما حقیقت این است که یکی از

مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی، تأکید بر صلح و همزیستی می‌باشد و اسلام به‌عنوان مبنای ایجاد صلح جهانی به‌طور کامل به آن پرداخته.

مفهوم شناسی

الف: همزیستی

این کلمه از دو واژه هم و زیست شکل گرفته است و به معنای باهم زندگی کردن است. همزیستی یعنی باهم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یکدیگر درحالی‌که شاید مناسب همدیگر نباشد. (دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۵۴۱/۱۵) یکی دیگر لغت‌شناس همزیستی را چنین تعریف می‌کند: زیستن در کنار هم دیگر همراه با سازگاری، همکاری و ارتباط متقابل با یکدیگر. (انوری، دکتر حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۱: ۸ / ۸۴۰۱)

معادل این کلمه در عربی عبارت است از: التعايش السلمی: وقتی گفته می‌شود: «تَعَايُشًا (عیش) القومُ بالألفه و الموده» معنای آن این می‌شود که آن قوم با مهر و محبت باهم زندگی کردن، زندگی و همزیستی مسالمت‌آمیز، همزیستی مشترک مردم بدون در نظر گرفتن دین و مذهب. (بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ۱۳۷۵: ۹۱)

تصالح، تسالم، تساهل و تسامع از دیگر واژه‌های همسو با همزیستی است. ۹ (سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ نوین، ۱۳۸۲: ۱۰۶؛ عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۱۳۸۱: ۱ / ۵۷۳) معادل انگلیسی این واژه، peaceful coexistence در عصر حاضر زیاد استفاده می‌شود. (جفری ام الیوب و رابرت رجینالد، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، استراتژیک، ترجمه میر حسن لنگرودی، ۱۳۷۳: ۶۸)

همزیستی اصطلاحی است که در دانش‌های گوناگونی به کار می‌رود. در دانش علوم اجتماعی با نگاهی دینی عبارت است از ارتباط مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب و فرق مختلف با هم دیگر و داشتن زندگی با ایده‌های مشترک، زندگی کردن پیروان مذاهب باهم دوش بدوش بدون دعوی و درگیری. به عبارت دیگر مردم یک جامعه باوجود مذاهب و عقاید گوناگون در آرامش و صلح و تعاون با یکدیگر به سر برده، اختلاف را از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند.

ب: مسالمت

این واژه از باب مفاعله به معنای مشارکت است و ماده‌اش (سلم) به معنای سلامتی، بی‌عیب و نقص و دور بودن از هرگونه آزار و گزند بودن است. «فاسلامه: ان یسلم الانسان من العاهده و الاذی» (ابن فارس، احمد بن فارس، مقایس اللغه، ۱۴۰۴: ۳ / ۹۰) راغب اصفهانی می‌گوید: «السلم والسلامه: التعری من الآفات الظاهره و الباطنه» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ قرآن، ذیل واژه سلم) سلم و سلامت این است که انسان از آفات ظاهری و باطنی محفوظ باشد.

مسالمت در اصطلاح عبارت است از چگونگی مناسبات، نحوه مناسبات بین ممالکی که دولت‌های آن‌ها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی هستند. (کریمی نیا، محمد مهدی، همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین‌الملل، ۱۳۸۷: ۲۹).

ج: راهکار

این کلمه از دو واژه «راه و کار» شکل گرفته است و در لغت به معنای شیوه و روش انجام دادن کاری است. راهکار در اصطلاح عبارت است از رهنمودهای علمی و عملی است که جستجوگر را، گام به گام به سوی هدف نزدیک کند یا راهکار عبارت

است از تعیین و یافتن یا ساختن راه وصول به آن. (رضائیان، علی، اصول مدیریت، ۱۳۷۶: ۸۳).

اصالت صلح در اسلام

سؤالی که از سوی برخی مستشرقان و نیز کسانی که آگاهی کمی درباره اسلام دارند مطرح می‌شود این است که آیا از دیدگاه اسلام، نخستین حالت در پیوند با بیگانگان، صلح و حفظ آرامش می‌باشد و مواردی که جنگ روا شناخته شده استثنایی است، یا به عکس اصل در روابط بر مبارزه و ناسازگاری است و صلح حالت استثنایی است که تنها در شرایط ناتوانی دولت و ملت اسلامی و باحالت شکست در جنگ، مشروع می‌شود؟

کتاب آسمانی و سفیر امین آن، رسول گرامی اسلام (ص) مبشر رحمت برای عالمیان بوده‌اند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷) پیشوایان معصوم این آیین، همگی با شرح صدری معجزه‌آسا، حتی بدخواهان و سیه دلان را به شگفتی واداشته‌اند. زیرا اسلام آیینی است تعصب‌گریز و خشونت‌ستیز و صلح‌محور، بالنده و حاضر در هر زمان و آزادی‌بخش به انسان می‌باشد.

تاریخ شاهد است که شمار کسانی که پس از صلح حدیبیه به اسلام گرویده‌اند، بیش از همه کسانی است که ظرف بیست سال پیش از آن مسلمان شده بودند و با توجه به آموزه‌هایی دیگر از این دست، اصالت را به صلح و همزیستی در روابط با بیگانگان بدهیم.

دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) ناظر به دیدگاه نخست است که می‌گوید: «ما با هیچ کشوری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی سر جنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم و تاکنون نیز به دفاع که برای هر کس فریضه‌ای است الهی و حقی

است انسانی، برخاسته‌ایم و هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم و می‌خواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند.» (خمینی، صحیفه نور، ۱۶/۱۰۲)

مهم‌ترین راه‌های همزیستی مسالمت‌جویانه در قرآن کریم

۱. آزادی عقیده و فکر

در بعضی از آیات قرآن کریم، بر اصل «آزادی عقیده» تأکید شده است؛ یعنی اساساً طبیعت اعتقادات قلبی و مسائل وجدانی به‌گونه‌ای است که در آن‌ها اکراه و اجبار جایی ندارد. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره/ ۲۵۶).

در کار دین اکراه روا نیست، چراکه راه از بی‌راهه به‌روشنی آشکار شده است. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس/ ۹۹) اگرچه پروردگارت می‌خواست، تمامی اهل زمین بدون اینکه اختیاری داشته باشند ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را به‌اکراه وامی‌داری که مؤمن شوند؟ پیامبر مأمور به ابلاغ دستورهای الهی است، خواه مخالفان ایمان بیاورند یا نه: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ...» (کهف/ ۲۹)

و بگو: این حق از سوی پروردگارتان است، پس هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کفر ورزد. «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظاً وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» (انعام/ ۱۰۷) و اگر خداوند می‌خواست، شرک نمی‌ورزیدند، ولی تو را نگهبان آنان نگماشته‌ایم و تو کارساز آنان نیستی.

ایمان به خدا و مبانی اسلام هیچ‌گاه نمی‌تواند تحمیلی باشد، بلکه تنها راه نفوذ آن در فکر و روح، منطق و استدلال است. مهم این است که حقایق و دستوره‌های الهی بیان شود تا مردم آن را درک کنند و بااراده و اختیار خویش آن را بپذیرند.

بعد دیگر آزادی، «آزادی فکر و اندیشه» است. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تعقل و تدبر و اندیشه در جهان هستی فرا می‌خواند و از او می‌خواهد که با نیروی عقل، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت، پلیدی و گمراهی قدم بردارد. «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت/۵۳) زود است که ما آیات خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان هویدا گردانیم تا آشکار شود که آن حق است؛ آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز گواه است؟ «وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ * وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات/۲۰-۲۱)؛ و در زمین، نشانه‌هایی برای اهل یقین و نیز در وجود شما است؛ آیا به چشم بصیرت نمی‌نگرید؟

۲. توجه به اصول مشترک

اسلام آیینی است که از زمان پیدایش خود با شعار هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه نموده است و این آیین خطاب به «اهل کتاب» چنین می‌گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۶۴).

بگو ای اهل کتاب بیایید تا بر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ‌گونه شریکی نیاوریم و هیچ‌کس از ما دیگری را

به جای خداوند به خدایی برنگیرد؛ و اگر روی گردان شدند، بگویید: شاهد باشید که ما فرمان برداریم.

این آیه از آیات مهمی است که اهل کتاب را به سوی وحدت دعوت می نماید. استدلال این آیه شریفه با استدلال در آیات سابق تفاوت دارد. آیات سابق بر این آیه، به طور مستقیم به سوی اسلام دعوت کرده اند، ولی در این آیه به نقطه های مشترک بین «اسلام» و «اهل کتاب» توجه شده است.

قرآن به مسلمانان می آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدستان با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و بکوشید حداقل در قسمتی که با شما اهداف مشترک دارند همکاری آن ها را جلب کنید و آن را پایه پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید.

۳. نفی نژادپرستی

قرآن کریم، هرگونه تفکر نژادپرستانه را محکوم نموده است و همه انسان ها را فرزند یک پدر و مادر و قهراً فاقد برتری نژادی، قومی و مذهبی می داند. «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳).

های ای مردم! همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و به هیات اقوام و قبایلی درآوردیم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید؛ بی گمان گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست؛ خداوند دانای آگاه است.

یکی از اصول مهم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، تساوی و برابری انسان‌ها است؛ زیرا نژادپرستی، خودبرتربینی و تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر، موجب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده است. جنگ جهانی اول و دوم نمونه بارز این مشکلات است. تفاوت در رنگ، نژاد و ملیت، مایه فضیلت کسی بر دیگری نیست. از نظر قرآن، اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها از آیات و نشانه‌های الهی و وسیله‌ای برای شناخت افراد و اشخاص از یکدیگر است؛ اگر همه انسان‌ها یک‌شکل، یک‌رنگ و دارای قد و قواره یکسان باشند، زندگی دچار مشکل و هرج و مرج می‌گردد.

از نظر قرآن کریم، انسان‌ها نسبت به یکدیگر فضیلتی جز به تقوا و پرهیزگاری ندارند و مجموعه انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحد» را تشکیل می‌دهند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ...» (بقره/۲۱۳) در آغاز مردم امت یگانه‌ای بودند، آنگاه خداوند پیامبران را مژده‌آور و هشداردهنده برانگیخت و با آنان، به‌حق، کتاب آسمانی فرستاد تا در میان مردم در آنچه اختلاف می‌ورزند داوری کند...

بسیاری از آیات قرآن کریم خطاب به جمیع بشر است؛ مانند «یا بنی آدم» و «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» این خطاب‌ها و تعبیرها به این اشاره دارد که انسانیت یک معنای مشترک بین تمام ساکنین زمین است. افراد مناطق مختلف از حیث انسانیت هیچ فرقی با یکدیگر ندارند. بشر در طول تاریخ از حیث زبان، رنگ، نژاد و... مختلف بوده است، ولی از نظر اسلام، همه فرزندان یک پدر و مادر (آدم و حوا) هستند و این تفاوت‌ها در انسانیت انسان خدشه‌ای وارد نمی‌سازد.

۴. گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز

قرآن کریم به مسلمانان دستور اکید می‌دهد که با «جدل احسن» و «گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز» با اهل کتاب سخن بگویند و روابط خود را بر اساس «اصول مشترک» قرار دهند. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (عنکبوت/۴۶).

و با اهل کتاب، جز به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آن‌ها که مرتکب ظلم و ستم شده‌اند؛ و بگویید به آنچه بر ما و - به آنچه - بر شما نازل شده ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما همه فرمان‌بردار اویم.

در آیات پیش‌تر سخن از نحوه برخورد با «بت‌پرستان» لجوج و جاهل بود که به مقتضای حال با آن‌ها سخن می‌گفت، ولی در این آیه سخن از مجادله و گفت‌وگوی ملایم‌تر با «اهل کتاب» است؛ زیرا آن‌ها حداقل، بخشی از دستوره‌ای انبیا و کتب آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیشتری برای شنیدن آیات الهی داشتند.

قرآن مجید به مسلمانان دستور می‌دهد که از دشنام دادن به کافران و بت‌پرستان پرهیز نمایند؛ زیرا آن‌ها هم در مقابل، به همین روش متوسل خواهند شد: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۱۰۸).

شما مؤمنان، به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، تا مبادا آن‌ها نیز از روی ظلم و جهل خدا را دشنام دهند، این چنین عمل هر امتی را زینت دادیم، پس بازگشت آن‌ها به سوی پروردگارشان است و آن‌ها را از آن چه عمل می‌کردند آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).

از آنجا که بیان دستورات اسلام، همراه با منطق، استدلال و شیوه‌های مسالمت‌آمیز است، به برخی از مؤمنانکه از روی ناراحتی شدید نسبت به «مسئله بت پرستی» به بت‌های مشرکان دشنام می‌دادند، سفارش اکید می‌کند که از ناسزا گفتن پرهیز نمایند؛ اسلام رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان را، حتی در برابر خرافی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شمارد؛ زیرا هر گروه و ملتی، نسبت به عقاید و اعمال خویش تعصب دارد. ناسزا گفتن و برخورد خشن موجب می‌شود که آن‌ها در عقاید خود سخت‌تر شوند.

۵. استقبال از پیشنهاد صلح

«فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ آتَوْا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء/۹۰).

پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند، در این صورت، خداوند راهی برای شما بر علیه آن‌ها نگشوده است.

دو قبیله در میان قبایل عرب به نام «بنی ضمیره» و «اشجع» وجود داشت؛ قبیله بنی ضمیره با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع نیز با بنی ضمیره هم پیمان بودند، پس از مدتی مسلمانان با خیر شدند که طایفه اشجع که هفتصد نفر بودند، به سرکردگی مسعود بن رجیله به نزدیکی مدینه آمده اند. پیامبر اکرم (ص) نمایندگانی نزد آن‌ها فرستاد تا از هدف مسافرتشان مطلع گردد، آن‌ها اظهار داشتند: آمده‌ایم «قرارداد ترک مخاصمه» با محمد (ص) ببندیم. پیامبر اکرم (ص) وقتی چنین دید، دستور داد مقدار زیادی خرما به‌عنوان هدیه برای آن‌ها ببرند؛ سپس با آن‌ها تماس گرفت و آن‌ها اظهار داشتند که ما نه توانایی مبارزه با دشمنان شما را داریم، چون تعداد ما کم است؛ و نه قدرت و تمایل به مبارزه با شما را داریم، زیرا محل ما به شما نزدیک

است؛ لذا آمده‌ایم با شما «پیمان ترک تعرض» ببندیم. در این هنگام، آیات فوق نازل شد و دستور لازم در این زمینه را به مسلمانان داد.

۶. پذیرش حقوق اقلیت‌ها

هیچ دینی همانند دین اسلام، ضامن آزادی و حافظ شرف و حقوق ملی اقلیت‌ها نیست. اسلام عدالت اجتماعی کامل را در کشور اسلامی، نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود - با وجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان و رنگ - تأمین می‌کند و این یکی از مزایای بزرگ عالم انسانیت است که هیچ مذهب و قانونی، غیر از اسلام نمی‌تواند به این آرمان تحقق بخشد.

اقلیت‌های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و اکتساب تابعیت می‌توانند میان مسلمانان آزادانه زندگی کنند و همانند مسلمانان از حقوق اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی بهره‌مند گردند. قرآن کریم با صراحت، سیاست کلی اسلام را درباره مراعات حقوق ملل و سایر مذاهب بیگانه چنین بیان می‌کند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸).

خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده‌اند و شما را از خانه و کاشانه‌تان آواره نکرده‌اند، از این که در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، نهی نمی‌کند؛ بی‌گمان خداوند دادگران را دوست دارد.

پس اسلام اجازه می‌دهد که اقلیت‌های مذهبی و مخالفان اسلام در جامعه اسلامی زندگی کنند و از حقوق انسانی برخوردار گردند؛ مشروط به این که مزاحمتی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشند؛ و بر ضد آن‌ها کاری صورت ندهند.

در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه/۹).

خداوند فقط شمارا از دوست داشتن کسانی که با شما در کار دین کارزار کرده‌اند و از خانه و کاشانه‌تان آواره کرده‌اند و برای راندنتان - با دیگران - هم‌دستی کرده‌اند، نهی می‌کند و هر کس دوستشان بدارد از ستمکاران - مشرکان - است.

با توجه به این دو آیه، سیاست کلی اسلام درباره اقلیت مذهبی و مخالفان اسلام چنین است: مادامی که اقلیت‌ها به حقوق مسلمانان تجاوز نکنند و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نمایند، در کشور اسلامی کاملاً آزادند و مسلمانان وظیفه‌دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند؛ ولی اگر بر ضد اسلام و مسلمانان، با کشورهای دیگر هم کاری داشته باشند، مسلمانان موظف‌اند مانع فعالیت آنها شوند و هرگز آنها را دوست خود ندانند.

در اسلام، آزادی و احترام اقلیت‌های مذهبی به مقداری است که اگر کسی از «اهل ذمه» کاری که در دین آنها جایز است ولی در شرع اسلام حرام است - مانند شراب‌خواری - انجام دهد، کسی متعرض آنها نمی‌شود؛ البته تا زمانی که به آن عمل تظاهر ننماید. اگر به آن عمل تظاهر نماید، به‌عنوان نقض «قانون تحت‌الحمايه» مورد بازخواست قرار می‌گیرد و اگر عملی انجام دهد که در دین آنها نیز حرام محسوب می‌شود، مانند زنا، لواط و... از نظر حقوق با مسلمانان هیچ تفاوتی ندارد و قاضی حق دارد که «حد» را بر آنها جاری سازد؛ اگرچه می‌تواند آنها را به ملت خود تحویل دهد تا طبق قوانین مذهبی خودشان مجازات شوند.

طبق فقه اسلامی اگر دو نفر از اهل ذمه مرافعه خود را پیش قاضی مسلمانان ببرند، قاضی مخیر است که طبق حکم اسلام قضاوت نماید و یا این‌که از آنها اعراض

نماید. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ...» (مائده/۴۲).

اگر از اهل کتاب برای رفع مرافعه به تو مراجعه کنند، پس میان آنان حکم کن، یا از آنان اعراض نما.

البته منظور این نیست که پیامبر (ص) تمایلات شخصی را در انتخاب یکی از این دو راه دخالت دهد، بلکه منظور این است که شرایط و اوضاع را در نظر بگیرد، چنانچه مصلحت بود دخالت و حکم کند و گرنه صرف نظر نماید. در این میان می‌توان یکی از مصالح را رعایت تعاملات و روابط اهل کتاب با مسلمانان دانست. از این آیه استفاده می‌شود که هم‌زیستی مسلمانان یا اهل کتاب تا حدی بود که آنان برای قضاوت نزد پیامبر اسلام (ع) می‌آمدند. عدالت همیشه و با هر گروه، یک ارزش است. اگر حاکم یا دولت اسلامی برای داوری و میانجی‌گری انتخاب شد، باید عدالت را رعایت کند و نباید مسائل نژادی منطقه‌ای، تعصب‌های گروهی، تمایلات شخصی و تهدیدها در قضاوت‌ها تأثیر بگذارد.

۷. به رسمیت شناختن انبیا و کتب آسمانی

اساساً تمام کتاب‌های آسمانی در اصول مسائل با یکدیگر هماهنگی دارند و هدف واحدی را (تربیت و تکامل انسان) دنبال می‌کنند؛ اگرچه در مسائلی فرعی، به مقتضای قانون تکامل تدریجی باهم تفاوت‌هایی دارند و هر آیین تازه مرحله بالاتری را می‌پیماید و برنامه جامع‌تری دارد. قرآن کریم ضمن تکریم و احترام به پیامبران و کتب آسمانی سابق، آن‌ها را تصدیق می‌نماید.

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ...» (مائده/۴۸).

و کتاب آسمانی (قرآن) را به راستی و درستی بر تو نازل کردیم که همخوان (مصدق) با کتاب‌های آسمانی پیشین و حاکم بر آن‌هاست، پس در میان آنان بر وفق آنچه خداوند نازل کرده است، داوری کن.

حدود بیست آیه دیگر نیز در تصدیق و تأیید تورات و انجیل آمده است که برخی آیات عبارت‌اند از: آل عمران/ ۵۰ «وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ...» (نساء/ ۴۷) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ...» مائده/۴۶: «فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ».

اساساً این سنت الهی است که هر پیامبری، پیامبر پیشین را تأیید و هر کتاب آسمانی‌ای، کتاب آسمانی سابق را تصدیق می‌نماید. خداوند در تأیید موسی (ع) و تورات، به وسیله پیامبر و کتاب آسمانی بعدی، یعنی حضرت مسیح (ع) و انجیل چنین می‌فرماید: «وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ آتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (مائده/۴۶).

و به دنبال ایشان، (تورات و موسی (ع) عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی دهند بر - حقانیت - تورات بوده که پیشاپیش او بود و به او انجیل دادیم که در آن نوری هست و همخوان - تصدیق‌کننده - با تورات است که پیشاپیش آن - نازل شده - و راه نما و پندآموز پارسایان است.

۸. صلح بین المللی

اسلام از ابتدا، اصول صلح را پی‌ریزی نموده و از این طریق، راه را برای پیمودن صلح بین‌المللی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همواره ساخته است. در این مورد کافی است که بدانیم صلح، روح اسلام است. همان‌طور که گفته شد، واژه‌ی اسلام از ماده «سلم» گرفته شده است و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است؛ لذا قرآن دستور می‌دهد که همگی در حوزه «سلم و صلح» وارد شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره/ ۲۰۸). ای افراد باایمان، همگی در حوزه مسالمت وارد شوید.

سلم، خیلی عالی‌تر و بادوام‌تر از «صلح» است؛ زیرا به معنای سلامت و امنیت است و صورت یک صلح موقت ظاهری را ندارد. خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن میل کردند، تو نیز از فرصت استفاده کن و با آنان موافقت نما: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال/ ۶۱)؛ و اگر دشمنان به صلح تمایل داشتند تو نیز مایه به صلح باش.

علاقه اسلام به صلح میان انسان‌ها، به حدی است که به افراد باایمان نوید می‌دهد که شاید بر اثر نحوه رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان، میان آن‌ها و دشمنان پیوند دوستی پدید آید: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ممتحنه/ ۷) چه امید است که خداوند در میان شما و کسانی از آنانکه با هم دشمنی داشتید، مهربانی پدید آورد و خداوند بر هر کار قادر (به خلق) آمرزنده و مهربان است.

افراد غیر مسلمان به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند، شمشیر به روی آن‌ها کشیدند، آن‌ها را از خانه و کاشانه‌شان به اجبار بیرون

کردند و خلاصه عداوت و دشمنی را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل، آشکارا نشان دادند. تکلیف مسلمانان با این گروه این است که از هرگونه مراوده و پیوند محبت و دوستی با این گروه خودداری نمایند. مصداق روشن آن، مشرکان مکه، مخصوصاً سران قریش بودند؛ گروهی رسماً دست به این کار زدند و گروهی دیگر نیز آن‌ها را یاری کردند.

اما گروه دوم، در عین کفر و شرک، کاری به مسلمانان نداشتند. نه عداوت می‌ورزیدند، نه با آن‌ها پیکار می‌کردند و نه اقدام به بیرون راندنشان از شهر و دیارشان می‌نمودند؛ حتی گروهی از آن‌ها پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان بسته بودند. باید به این گروه وفا کنند و در اجرای عدالت بکوشند. مصداق این گروه طایفه خزاعه بودند که با مسلمین پیمان ترک مخاصمه داشتند.

خلاصه این‌که طرفداری از صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی، از خردمندانه‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌هاست و اسلام نیز این برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را برای دفاع در مواقع اضطراری خواسته است.

اسلام برای صلح و زندگی مسالمت‌آمیز چنان اهمیت قائل است که حتی در اجتماعات کوچک و در اختلاف خانوادگی نیز دستور به صلح و سازش می‌دهد. «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء/۱۲۸)

۹. مبارزه با توهّمات برتری جویانه ادیان دیگر

برخی از آیات قرآن کریم در مورد مبارزه با عقاید تند و تعصب‌آمیز دیگر ادیان است. عقاید ناصوابی که منشأ بسیاری از کینه ورزی‌ها و دشمنی‌ها نسبت به پیروان مذاهب دیگر شده است. کتاب آسمانی ما پس از آنکه پیروان خود را به هم‌زیستی

مذهبی و مدارا با پیروان مذاهب دیگر دعوت می‌کند، پایه اوهام و افکار غلط ادیان دیگر را نیز در هم می‌کوبد.

یهودی‌ها و مسیحی‌ها معتقد بودند که آن‌ها ملت برگزیده خداوندند؛ فقط آنان با مقام الهی روابط زوال‌ناپذیر برقرار کرده‌اند؛ بهشت الهی مخصوص آن‌هاست و پیروان هیچ آیین دیگری لیاقت بهره‌مندی از آن را ندارند؛ فقط یهود و نصاری هستند که به هر عنوان، برتر و بالاتر از همه و شایسته هر نوع تکریم و احترام‌اند و همه باید در برابر این دو ملت برگزیده، سر تعظیم و احترام فرود آورند.

«وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده/۱۸).

یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم، بگو: پس چرا شمارا در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقاتی که آفریده است. هر کس را بخواهد و شایسته بداند می‌بخشد و هر کس را بخواهد و مستحق بداند مجازات می‌کند و حکومت آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن‌هاست از آن او و بازگشت همه موجودات به سوی اوست.

و در آیه دیگر می‌فرماید: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» بلی من اَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۱۱۱-۱۱۲).

آن‌ها گفتند: هیچ‌کس، جز یهود و نصاری، هرگز داخل بهشت نخواهد شد؛ این آرزوی آن‌هاست. بگو: اگر راست می‌گویید دلیل خود را بیاورید؛ آری کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی

بر آن‌هاست و نه غمگین می‌شوند؛ بنابراین، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست.

بدین ترتیب، قرآن کریم با افکار غرورآمیز و تعصبات غلط، خطرناک و جنگ آفرین این دو ملت مبارزه می‌کند و با استدلال، پوچ و بی‌منطقی بودن آن را آشکار می‌سازد.

بدیهی است چنان‌چه این افکار غلط و خطرناک، بر ملت و جامعه‌ای حکم فرما باشد، صلح جهانی و هم‌زیستی مذهبی با دیگران نخواهند داشت. از بین بردن تعصبات غلط و برتری‌جویی و نژادپرستی، زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان و ملل و مذاهب گوناگون می‌باشد.

از نظر قرآن کریم، هیچ ملتی برگزیده و نیز هیچ‌یک با خدا عقد اخوت نبسته است. برتری و عظمت، مخصوص افرادی است که تنها در برابر حقیقت خضوع می‌کنند و هیچ تعصب غلطی آن‌ها را از پذیرش آن باز نمی‌دارد.

۱۰. تعاون در مسائل بین‌المللی

از ضروریات زندگی اجتماعی، همکاری و تعاون است. زندگی اجتماعی و نظام بین‌المللی، بدون هم‌کاری و تعاون در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. برای حل مشکلات روزافزون جهانی، چاره‌ای جز مشارکت و تعاون وجود ندارد.

قرآن کریم، تعاون و مشارکت را که یک اصل عقلانی نیز می‌باشد، مورد تأیید و سفارش و مسیر آن را در جهت «برّ و تقوا» قرار داده و از تعاون برای ارتکاب گناه و ظلم نهی نموده است. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده/۲).

بر نیکی و تقوا همکاری و تعاون نمایید و بر محور گناه و تجاوز، تعاون و مشارکت ننمایید.

در مقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق «بر» می‌باشد و مبارزه با سلطه، استثمار، نژادپرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیک‌تر شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا محسوب می‌شود و در این راه، باید از هر نوع هم‌کاری و تعاون که موجب فساد، تباهی و ظلم است خودداری نمایند.

هرقدر توجه به اصول مشترک بیشتر باشد، تفاهم بین‌المللی بیشتر می‌شود؛ در نتیجه، صلح و امنیت جهانی تأمین می‌گردد. قرآن کریم علاوه بر توصیه به اخذ اصول مشترک: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا...» (آل عمران/۶۴) و سفارش به تعاون در جهت تقوا و بر، به مسلمانان اجازه داده است تا با آنان تعامل اقتصادی و... داشته باشند و از غذای آنان - غیر از شراب و گوشت خوک و... - تناول نمایند:

بدیهی است که تعامل اقتصادی و اجازه تناول غذای اهل کتاب و... از اسباب تعاون زمینه‌ساز هم‌کاری و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز خواهد بود. از نظر اسلام، تعاون قبل از اینکه یک تکلیف دینی باشد یک ضرورت بشری محسوب می‌شود. بهره‌وری از زمینی که خداوند خلق کرده و ثروت‌هایی که در آن قرار داده است، بدون هم‌کاری و تعاون حاصل نمی‌شود.

نتیجه آنکه هرچند در این آیه صریحاً از تعاون و همکاری نام نبرده است؛ لکن یک مصداق تعاون و تعامل با اهل کتاب را بیان داشته و آن، استفاده از غذای اهل کتاب - غیر از شراب، گوشت خوک و غیره - است. در واقع اجازه تناول غذای اهل کتاب و... یکی از اسباب تعاون و زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب محسوب می‌شود.

جایگاه و فلسفه خشونت‌های ادعایی در قرآن

بدون شک در قرآن مواردی وجود دارد که در ظاهر بیانگر نوعی ضدیت با صلح و همزیستی می‌باشد؛ از جمله قاطعیت در برابر کسانی که حریم اسلام و احکام تابناک آن را می‌شکنند یا جان و مال و آبروی مسلمانان را به مخاطره می‌اندازند، از ویژگی‌های پیامبر اکرم (ص) و مؤمنان راستین است.

بنابراین باید بین خشونت منفی و شدت عمل اسلامی در برابر تخلفات فرق گذاشت، اسلام برنامه ویژه‌ای با پیروان سایر ادیان دارد که در صورت رعایت آن‌ها هرگز درگیری اجتماعی رخ نمی‌دهد و اما فلسفه خشونت‌ها در اسلام، مواردی از خشونت‌های اسلامی است که در قرآن همراه با دلایل ذکر شده، عبارت‌اند از:

برخی از خشونت‌ها در باطن رحمت الهی هستند، زیرا خداوند هر آنچه را که بر بندگان خود عطا کند از روی مصلحت و حکمتی بوده و به دلیل «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بودن خداوند است. این خشونت‌ها از باب تیغ زدن جراح بر جسم بیمار است که برای بهبود او تلاش می‌کند و یا از باب تأدیب استاد نسبت به دانشجوی خویش و تربیت او و علاقه‌اش به علم‌آموزی و مثال‌های دیگری از این قبیل که ظاهراً برخلاف آرامش و صلح است اما در باطن رحمت‌اند و نشانه تأمین صلح زیرا که دین بدون سختی نخواهد بود.

برخی دیگر از خشونت‌ها وسیله آزمایش انسان‌ها است گرچه بعضی انسان‌ها فکر می‌کنند که پس از آفرینش، دیگر به حال خود رها می‌شوند در حالی که چنین نیست، خداوند می‌فرماید: «ما شمارا با ترس و گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و محصولات مورد آزمایش قرار می‌دهیم...»

برخی دیگر از خشونت‌ها نتیجه‌ی نافرمانی از پروردگار و مکافات اعمال ناشایست انسان‌اند، خداوند در این زمینه می‌فرماید: «فساد در خشکی و دریا (سراسر زمین) به دست خود مردم فراهم آمده است تا (سزای) کیفر بعضی اعمالشان را به آن‌ها بچشانند، باشد که بازگردند»

و بعضی دیگر از خشونت‌ها به دلیل کفر ورزیدن به ذات اقدس ربوبی است؛ پروردگار متعال در این زمینه می‌فرماید: «... هرکس کافر شد روزی کمی به او خواهیم داد و آنگاه او را با خواری به سوی عذاب آتش کشانده و چه بد سرانجامی است».

نتیجه

با توجه به آیات و همچنین روایات و سیره عملی معصومین (ع) اصل در سیاست خارجی اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، روش اسلام مذاکره و گفتگو و نفوذ بر فکر و اندیشه غیر مسلمانان است تا از این طریق روش فکری آنان را تغییر داده و زمینه‌های درک حقایق را برای آنان فراهم کند تا با اختیار و بینش درست اسلام را بپذیرند و به فلاح و رستگاری برسند. جنگ در سیاست خارجی اسلام آخرین ابزار و از سر ناچاری است که در شرایط و موارد خاص و استثنائی به آن متوسل می‌شود و در حقیقت جنبه دفاعی دارد نه حالت تهاجمی.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقایس اللغة، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی مرکز النشر.
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، نوبت چاپ اول.
۳. انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
۴. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵ ش)، فرهنگ ابجدی، مترجم رضا مهبیار، دفتر مطالعات دانشگاه، تهران، نوبت چاپ دوم.
۵. جفری ام ایوب و رابرت رجینالد (۱۳۷۳ ش)، فرهنگ اصطلاحات سیاسی، استراتژیک، ترجمه میر حسن لنگرودی، تهران. بی جا.
۶. حمیدالله، محمد حقوق بین الملل در اسلام (بی تا)، ترجمه و تحقیق سیدمصطفی سیدمصطفی محقق داماد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا (۱۳۷۷ ش)، تهران، مؤسسه انتشارات چاپ خانه دانشگاه، چاپ دوم.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.
۹. رضائیان، علی (۱۳۷۶ ش)، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت.

۱۰. سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ نوین (۱۳۸۲ش)، تهران، انتشارات اسلام، چاپ خانه منفرد، چاپ چهارم

۱۱. سید قطب (۱۳۹۱ش)، اسلام و صلح جهانی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.

۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۴۴)، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.

۱۳. عمید، حسن، فرهنگ عمید (۱۳۷۷ش)، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوازدهم و سیزدهم.

۱۴. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷ش)، فقه سیاسی، تهران، نشر امیرکبیر.

۱۵. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۷ش)، همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، نشر پژوهشی امام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی